

قال رسول الله (ص): قِيدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ

علم را با نوشتن زنجیر کنید.

استاد مطهری اسوه و الگو.....

حمید نگارش

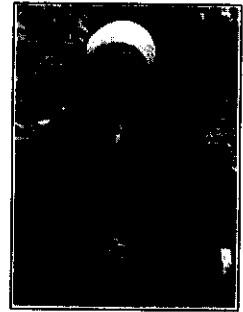
استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

همه را بیازمودم ز تو خوشترم نیامد

چو فرو شدم به دریا چو تو گوهرم نیامد

چه عجب که در دل من گل و یاسمن بخندد

که سمن نری لطیفی چو تو در برم نیامد



چکیده

این مقاله بر آن است تا ابعاد گوناگون زندگی استاد مطهری را بررسی کند، شخصیتی که توانست در علم و دانش، پرهیزگاری و فروتنی، عزت و کرامت نفس، پیرایه زدایی از دامن دین اسلام و... اسوه و سرمشق ما باشد. بی گمان آشنایی با خصوصیات زندگی و رمز و راز موفقیت چنین بزرگانی یاری دهنده شیفتگان راه حقیقت و کمال خواهد بود.

کلید واژه‌ها: استاد مطهری، اسوه و الگو، سیره اخلاقی، انسان کامل

سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش ناخستند
و برای قوم و ملت خود منذران صادقی شدند. سلام
بر آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان
حوزه‌ها و روحانیت را درک کرده و از عطایای
حضرت حق در مبهمانی خلوص و تقرب جزی عطیه
شهادت نخواستند. امام خمینی (ره)

مقدمه

روح و روان آدمی هنگام تولد به سان سرزمین بکری است که قابلیت رویش هر نوع گیاهی را دارد. برای جهت دادن به قابلیت‌ها، پرورش شایستگی‌ها و استعدادهای آدمی، وجود الگو و اسوه ضرورت حیاتی دارد؛ الگویی که رفتار و کردار او، راه و رسم زندگی عاشقان کمال را ترسیم کند و دست آدمی را بگیرد و او را به راه راست برساند. قرآن مجید این نوع معلم را اسوه و الگو معرفی کند: **لقد کان لکم فی رسول الله اسوةً حسنةً لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیراً**^۱.
بی تردید استاد مطهری شخصیتی بود که در ابعاد گوناگون زندگی الگوی سالکان راه حقیقت است. او کسی بود که در احیای تفکر، برهانی شدن حوزه و بازکردن افقهای جدید بر طلاب و فضیای حوزه نقش مؤثری داشت. گستردگی دانش ایشان از فقه و اصول و فلسفه گرفته تا مراتب سلوک عرفانی و آراستگی باطن زبانزد عام و خاص بود. رویکرد عقلانی در حوزه دین پژوهی، همراه با دید عرفانی از وی شخصیتی یگانه و ممتاز ساخته بود. شناخت و شناساندن کسانی همچون او علاوه بر احیای هویت و فرهنگ دینی می‌تواند یاری‌دهنده نسل حاضر جامعه ما باشد.

محور اول: بعد شخصیتی - معنوی

الف: بعد شخصیتی

استقلال فکری

امتیاز برجسته استاد مطهری، استقلال فکری ایشان بود. این ویژگی باعث شده بود که ایشان حتی در مباحث عمی بر اساتید خود اشکال بگیرد. گرچه ایشان مدافع اندیشه‌های فلسفی ملاصدرا بود، ولی با تأملی در آثار فلسفی اش پی می‌بریم که این دفاع گاه رنگ نقادانه به خود می‌گیرد. روح حقیقت جویی و واقع‌گرایی استاد، باکی از انتقاد به فیلسوفان بزرگی همچون

ملاصدرا هم ندارد. مرحوم مطهری ضمن آنکه از علامه طباطبایی بسیار بهره برده و برای وی احترام فراوانی قائل بود، در بحث جاودانگی اخلاق، نظریه ایشان را به تقد گذاشت.^۲

آینده نگری

اسلام شناس عصر ما متفکری دوراندیش و حساب‌گر بود. هیچ کاری را بی مقدمات لازم آغاز نمی‌کرد. ایشان در سال ۵۲ بحثی را تحت عنوان «در گریز از ایمان» در محکوم کردن جریان چپ‌گرایی و مادی‌گرایی مطرح کرد و فرمود:

ما هدف مشترک با هیچ غیر مسلمانی نداریم و من احساس خطر می‌کنم، هدف ما پیاده کردن اسلام است و این‌ها مخالف با اسلام هستند. من می‌دانم که آینده از ماست و باید صفوف خودمان را از دشمنانمان جدا کنیم که دشمنان بعداً طلبکار نشوند و نگویند که ما بودیم انقلاب کردیم. آیه‌الله مهدوی کنی در این رابطه می‌گوید: «استاد مطهری ده سال آینده را زودتر از همه ما درک می‌کردند و ما بعد از او بودیم»^۳

تسلط بر کار

استاد مطهری در کار خود کاملاً چیره بود، در تسلط بر نظرات بزرگان فلسفه و شناخت منطق‌های مخالف دین در ایران بی نظیر بود، کتاب‌های ماتریالیست‌ها نظیر ارانی را کلمه به کلمه بارها از نظر گذرانده بود.

ایشان به گونه‌ای بر مباحث علمی و فلسفی تسلط داشت که هر کس پای درسش می‌نشست، خود را با شخصیتی روبه رو می‌دید که با تمام وجود درس خوانده و آنچه را خوانده به خوبی فهمیده است. در یکی از نامه‌های خود به پدرش می‌نویسد:

خدا را شکر می‌کنم که در زندگی محتاج نیستم. وظایف دینی خود را به لطف خدا انجام می‌دهم. من بر کار مسلط نه کار بر من. نانی که می‌خورم نان کار و زحمت است. آبرو و احترام محفوظ است.^۴

آزاد اندیشی

آزاد اندیشی استاد مطهری از مهم‌ترین علل و عوامل موفقیت ایشان به شمار می‌رود. این روحیه او را در برخورد با مسائل اسلامی، پژوهشگر و محقق می‌ساخت و باعث می‌شد تا در اقوال و آرای دیگران محصور نشود. با دید انتقادی به دیدگاهها و نظریات می‌نگریست و به همین دلیل کارهای علمی ایشان به جای آنکه تکراری باشد، سرشار از خلاقیت است. چون اهل فکر بود، در میدان پژوهش اندیشه خود را برای جرح و تعدیل افکار آزاد می‌گذاشت و به همین روی اندیشه‌هایش نو و ابتکاری بود و بعد از چندین سال هنوز آثار ایشان بوی کهنگی به خود نگرفته است.

ب: بعد معنوی

دوام طهارت

همسر مرحوم مطهری درباره خصوصیات اخلاقی و معنوی ایشان می‌گوید:

مرحوم مطهری تقوای عجیبی داشت. در مدت بیست و شش سالی که با ایشان زندگی می‌کردم، در تمام طول شبانه روز نیم ساعت بی وضو نبود. همیشه تأکید می‌نمود با وضو باشید. وضوی دائمی خوب است. ایشان همواره با وضو در کلاس دانشگاه حضور می‌یافت و حضورش آن چنان معنویتی به اجلاس می‌بخشید که مستمع با تمام وجود معنویت و قداست آن را درمی‌یافت. استاد در مدتی که در دانشگاه تدریس داشت به دانشجویان توصیه می‌کرد که دانشگاه به منزله مسجد است سعی کنید بدون وضو وارد دانشگاه نشوید.^۵

عاشق و دلباخته اهل بیت

علاقه استاد مطهری به اهل بیت زبانزد خاص و عام بود. یکی از بزرگان حوزه می‌گوید:

به استاد مطهری عرض کردم که شما فوق العاده از علامه طباطبایی تجلیل می‌کنید و تعبیر روحی فداه را در مورد ایشان دارید. این همه تجلیل به خاطر چیست؟ ایشان در جواب فرمودند (من فیلسوف و نارف بسیار دیده‌ام و احترام مخصوص من به ایشان به این جهت است که او عاشق و دلباخته اهل بیت (ع) بود. علامه طباطبایی در ماه رمضان روزه خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت معصومه (س) باز می‌کرد. ابتدا پیاده به حرم مشرف می‌شدند و ضریح مقدس را می‌بوسید، سپس به خانه می‌رفت و غذا می‌خورد. این ویژگی علامه باعث شد که من به شدت شیفته ایشان شوم.)^۶

ادب در نماز

واژه‌هایی همچون طهارت باطنی، حضور قلب، خشوع، نشاط، آداب باطنی، مراقبت و... در کلمات معصومین مبین آداب نماز است. شهید مطهری به نماز خویش بسیار حرمت می‌نهاد. همسرش می‌گوید:

ایشان با لباس خانه نماز نمی‌خواند. خصوصاً نماز صبح را ما که از رختخواب بیرون می‌آیم با همان لباس زیر می‌خوانیم. اما استاد به هنگام نماز صبح هم، لباس می‌پوشید. عمامه بر سر می‌گذاشت و خودشان را برای نماز آراسته می‌کردند. شاید این کار برای ایجاد آمادگی روحی بود.^۷

تهجد و شب داری

مناجات‌ها و شب داری‌های استاد حالت ویژه‌ای داشت. سروش نیمه شعبان استاد هنگام

سحر این بود: نخواهید که شیطان خوشحال می‌شود. رهبر انقلاب می‌فرماید:

این مرد نیمه شب، تهجد با آه و ناله داشت. نماز شب می‌خواند و گریه می‌کرد. به طوری که صدای گریه و مناجات او افراد را از خواب بیدار می‌کرد.^۸

یکی از دوستان ایشان می‌گوید به یاد دارم که در همان اوایل آشنایی ما با یکدیگر به من می‌گفت: نماز شب به انسان معنویت می‌دهد و روح انسان را تازه می‌کند و بدین ترتیب مرا بدان تحریص می‌کرد و من به بهانه این که آب مدرسه غیر بهداشتی است، از آن شانه خالی می‌کردم تا این که شبی در خواب دیدم که مردی مرا بیدار کرد و گفت من عثمان بن حنیف نماینده علی (ع) هستم. آن حضرت به تو دستور داده‌اند که به پای خیز و شب را به پادار و این نامه را نیز آن حضرت برای تو فرستاده‌اند. در آن نامه که حجم کوچکی داشت، با خط سبز و روشن نوشته شده بود: «هذه برائة لك من النار» در عالم خواب متحیرانه به سر می‌بردم که ناگاه در همان حال مرحوم مطهری مرا از خواب بیدار کرد و در حالی که ظرفی از آب در دست داشت گفت این آب را از رودخانه تهیه کرده‌ام. برخیز و نماز شب بخوان.^۹

انس با قرآن

استاد مطهری به تاسی از معصومین (ع) علاقه وافری به تلاوت قرآن داشت. فرزند ایشان می‌گوید: پدرم قرآن را با آهنگ خوش می‌خواند. هر شب بعد از نماز مغرب و عشاء یک یا چند سوره از قرآن را با صوتی خوش تلاوت می‌نمود و قبل از خواب، نیم ساعت قرآن تلاوت می‌نمود، ایشان در نامه‌ای به یکی از فرزندانش می‌نویسد حتی الامکان از تلاوت روزی یک حزب قرآن که فقط پنج دقیقه طول می‌کشد مضایقه نکن و ثوابش را هدیه به روح مبارک حضرت رسول اکرم بنما که موجب برکت عمر و موفقیت است. - ان شاء الله.^{۱۰}

محور دوم: ویژگی علمی و معرفتی

انصاف علمی

روحیه انصاف در مسائل علمی و اجتماعی بارزترین خصیصه استاد مطهری بود. این ویژگی سبب می‌گشت تا درباره دیدگاه‌های مخالف نظر خود کاملاً بیندیشد و هیچ‌گاه با روحیه خود برتر بینی با آرا و عقاید دیگران رفتار نکند. همیشه هر سخنی و گفته‌ای را تا حد امکان تجزیه و تحلیل می‌کرد و بخش‌های درست آن را کنار می‌نهاد و هر یک را جداگانه نقد و تحلیل می‌کرد. استاد در برخورد با مکاتب بیگانه حتی مارکسیسم اگر نکته مثبتی می‌دید، خاموش نمی‌ماند و یکی از عللی که آثار ایشان حتی در مخالفان مؤثر واقع می‌شد، همین بود.

دقت علمی

یکی از علل ماندگاری آثار استاد درایت و دقت و تعمق ایشان است. او هر چه می‌یافت، می‌نوشت، بارها بررسی می‌کرد و با اعتماد کافی متن را منتشر می‌ساخت این دقت و تعمق استاد نه تنها در عرصه قلم، بلکه در خطابه و سخنرانی‌ها نیز به خوبی ملموس بود. یکی از دوستان ایشان نقل می‌کند:

یک بار مرحوم مطهری را برای سخنرانی دعوت کردیم و او با تواضع و صراحت تمام گفت آمادگی لازم جهت این سخنرانی نیافته‌ام. من برای هر سخنرانی حداقل ۲۰ ساعت مطالعه دارم.^{۱۱}

ساده‌نویسی و ساده‌گوئی

استاد مطهری براساس مشی، سیره و شیوه بزرگان معصوم (ع) به زبان مردم سخن می‌گفت. قلم و بیان استاد نه برای دانشجو بیگانه و غریب بود و نه برای عموم مردم. تأثیری که ایشان در نسل جوان گذاشت، ناشی از تفکر مکتبی و اسلامی به صورت مجموعه منسجم، واحد، بی‌تناقض و در عین حال ساده بود. تبیین مباحث فلسفی به زبان ساده و آشنا کردن مردم با فلسفه اسلامی و زدودن روحیه حقارت از مردم، در برابر اندیشه‌ها و فلسفه‌های غرب از جمله فعالیت‌هایی است که استاد مطهری علاقه‌ای فراوان بدان داشت.

تحریف‌زدایی

در نظرگاه استاد مطهری، تفسیرها و تحلیل‌های نادرست از دین زمینه دین‌گریزی مردم را فراهم می‌آورد. او معتقد بود:

دین مقدس اسلام یک دین ناشناخته است. حقایق این دین تدریجاً در نظر مردم واژگون شده است و علت اساسی گریز گروهی از مردم تعلیمات غلطی است که به نام دین داده می‌شود. هجوم استعمار غربی با عوامل مرئی و نامرئی‌اش و قصور یا تقصیر بسیاری از مدعیان حمایت از اسلام در این عصر از طرف دیگر سبب شده است که اندیشه‌های اسلامی در زمینه‌های گوناگون مورد هجوم و حمله قرار گیرد.^{۱۲}

تحریف‌زدایی از دامن فرهنگ بشری و دینی یکی از رسالت‌های خطیر شرایع آسمانی از جمله اسلام است. این پیرایه‌زدایی از دامن معرفت دینی در نظرگاه استاد بسیار مهم تلقی می‌شد.

زمان‌شناسی و نیازشناسی

دور اندیشی، ژرف‌نگری و زمان‌شناسی استاد مطهری از امتیازات ایشان بود. او درباره سؤالها و تردیدهای نسل جوان می‌گوید:

عصر ما از نظر دینی و مذهبی خصوصاً برای طبقه نسل جوان عصر اضطراب، دو دلی و بحران است. مقتضیات عصر و زمان یک سلسله تردیدها و سئوالها را به وجود آورده است. سئالات کهنه و فراموش شده را نیز از نو مطرح ساخته است. آیا باید از این شک و تردیدها ناراحت بود یا مسرور. به عقیده من هیچ گونه ناراحتی ندارد^{۱۳}.

اشراف و احاطه بر مسائل زمان و مکان ابزار دست شهید مطهری بود، و در برخورد با مشکلات تازه با مدد گرفتن از اصل پویای اجتهاد پاسخی شایسته ارائه می نمود.

جامع‌نگری

شهید مطهری در حالی که یک محقق، فقیه و فیلسوف بود، عارف، متکلم، مفسر و محدث نیز بود. وقتی تفسیر می کرد، بر علوم قرآنی و آرای مفسران دیگر کاملاً تسلط داشت و آن گاه که درباره حافظ سخن می گفت، از آشنایی اش با مبانی عرفان اسلامی پرده برمی داشت، چون بر روش رئالیسم پاورقی می نوشت، تسلط خود بر فلسفه قدیم و جدید را آشکار می ساخت و آن گاه که به عنوان یک نویسنده قلم در دست می گرفت، چیرگی و توانایی نویسندگی خود را نمایان می کرد. علاوه بر این آنچه از سیره علمی و تحقیقی استاد باید سرمشق قرار گیرد، انسجام و هماهنگی اجزای اندیشه اوست. اگر این حالت پدید آید، فلسفه، کلام، تفسیر، اقتصاد، فقه و... همه با یکدیگر به هماهنگی و همسازی می رسند و کارایی خویش را نشان می دهند.

نوآوری و روشن‌اندیشی در مقوله دین

نواندیشی و نوآوری در مقوله دین دو پیش شرط دارد: یکی شناخت زمینه‌های انحرافی و بدعتها و تعصبات و سنتهای قومی و تفکیک آنها از فرهنگ و اعتقادات اصیل اسلامی و دیگر تحلیل صحیح از اسلام ناب در همه ابعاد زندگی.

مبتکر دینی کسی است که روح اسلام را خوب درک کند و با سعه صدر و نگرشی والا به تبیین دین پردازد. شناسایی رخ تابناک شریعت در همه ابعاد و غبار زدایی از آن، بهره مندی از روحیه علمی و دینی با این نگرش که اسلام در بردارنده قانونها و معارف سعادت بخش برای همه اعصار و همه انسانهاست، از ویژگیهای مبتکران دینی است. متکلمان و فلاسفه بزرگ شیعه همواره بر آن بوده‌اند تا با روشن‌اندیشی و نگرشی جامع در این مقوله گامهای بلندی در راههای پیموده نشده بردارند. گام‌های بلند را می توان در آثار شاگرد برجسته امام و اسوه علم و تقوا، استاد مطهری باز یافت؛ همان اندیشمندی که با بیش ژرف خود پایه‌های جدیدی را پی ریخت و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزید و همانند راهبران الهی بر بام تاریخ بشریت همچون خورشیدی برای هدایت انسانها نورافشانی کرد. در اینجا شایسته است به دو گونه کوشش مبتکرانه استاد مطهری نظری بیفکنیم:

۱. مقایسه فلسفه معاصر غرب و شرق با اندیشه‌های فلسفه اسلامی: استاد مطهری در مباحث فلسفی به تبیین فلسفه سنتی اکتفا نکرد، بلکه با پرداختن به مشربهای فلسفی دیگر به نقادی آنها پرداخت و با اینکه منابع ترجمه شده در آن زمان بسیار کم بود، با کمک دوستان دانشگاهی از منابع خارجی نیز بهره‌های فراوانی برد و توانست با شناسایی دقیق دیدگاههای فلاسفه غرب و شرق به نقادی آنها بپردازد.

۲. در زمینه اندیشه‌های فلسفی ایشان نگرش جدیدی را بنیان نهاد و می‌توان گفت که نوآوریهای ایشان به شیوه طرح بحث و نتیجه‌گیری از آن برمی‌گردد. توجه و تأکید بسیار ایشان بر ذهن‌شناسی و تحلیل‌های ذهنی آن در فلسفه اولی، از ابتکارات این فیلسوف بزرگ است که در پاورقیهای جلد سوم اصول فلسفه و روش رئالیسم به صورت مکرر یادآوری شده است. به عنوان مثال، در عبارتی می‌فرماید:

از نظر فلسفی شناخت وجود و واقعیت، وقتی میسر است که انبوه اندیشه‌هایی که محصول فعالیت‌های مختلف ذهن است به دست آورید و آنچه را که نماینده واقعیت خارج است از آنچه محصول و مبدول فعالیت ذهن است تشخیص دهیم و باید ذهن خویش را برای قبول یک حقیقت آماده کرد و آن این است که تا ذهن را نشناسیم نمی‌توانیم فلسفه داشته باشیم.^{۱۴}

محور سوم: متدولوژی و ویژگیهای رفتاری

روش تدریس

مقدمه چینی مناسب: استاد معمولاً قبل از ورود به اصل درس یک مقدمه تاریخی بیان می‌کرد و با احاطه‌ای که بر اقوال پیشینیان داشت، سیر تحول و ریشه و سابقه مطلب را باز می‌گفت تا شاگرد نپندارد این بحث نوظهور است و در این خصوص نظرات متفکران غربی را نیز می‌آورد و به واسطه همین مقدمه چینی مناسب توجه مخاطبان جلب می‌شد و با تمام وجود به درس دل می‌دادند.

احاطه علمی در بیان مطالب علمی

شهید مطهری اندیشه توانمندی داشت و در هر بحثی که وارد می‌شد، توانایی منطقی و فلسفی خویش را در نحوه عرضه بحث نشان می‌داد. حتی اگر تدریس فلسفه داشت، آن را بانظم خاص فلسفی ارائه می‌کرد. از نشانه‌های این توانایی آن بود که با احاطه فلسفی اصول بحث را از بخشهای فرعی جدا می‌ساخت، جنبه اصلی را خوب توضیح می‌داد و از نظر منطقی ربط مقدمه به نتیجه‌های فرعی را به دقت باز می‌نمود.

خارج نشدن از موضوع اصلی درسی

استاد مطهری حد و مرز موضوعات و مسائل را خوب می‌شناخت، یک مطلب را تبیین می‌کرد و همان را ادامه می‌داد. ایشان اجازه نمی‌داد که شاگردان با مباحث متفرقه مسیر بحث را تغییر دهند و اگر کسی سؤالی نامربوط مطرح می‌ساخت، به آن جواب نمی‌داد.

جهت‌دار بودن بحث در کلاس درس

درسهای ایشان، یک درس جهت‌دار بود؛ یعنی شاگرد درک می‌کرد که این بحث به چه کار می‌آید و این گونه نبود که مطلبی انتزاعی را فقط به عنوان بحثی لفظی مطرح سازد، بلکه ایشان مطلب را به گونه‌ای عنوان می‌کرد که علاوه بر محتوای بحث، جهت و ارتباطش با سایر مباحث دقیقاً روشن می‌شد.

معلم کردار و گفتار

شهید مطهری در همه زندگی خود یک معلم بود. زندگی او، که در حقیقت سراسر سازندگی بود، به دو مرحله تقسیم می‌گردد: ساختن خود و ساختن جامعه. زندگی‌اش هیچ گاه از این دو سازندگی خالی نبود و همچون مردان آسمانی و الهی همواره به ساخت و سازهای فردی و اجتماعی مشغول بود. در شیوه تعلیم و تعلم اسلامی که هنوز در حوزه‌های علمیه ما محفوظ است، این سیره و روش جایگاه ویژه‌ای دارد.

تواضع در برابر آرای دیگران

استاد فرزانه در برابر فضل و کمال و لیاقت افراد خاضع بود و چون نام بزرگان را بر زبان می‌آورد، با تواضع خاصی از آن یاد می‌کرد. گاه دیده می‌شود که برخی اصحاب قلم و اندیشه در مقام نقد از حد طبیعی فراتر می‌روند و از ویژگیهای مثبت غافل می‌شوند. این حالت در استاد مطهری جایی نداشت.

روش تحقیق

تحقیق در مباحث علمی بسان راه استخراج فلزی قیمتی از اعماق زمین است. اگر جوینده گنج بدون اشراف از شرایط منطقه دست به استخراج زند، چه بسا با شکست رو به رو شود. شهید مطهری از زمره محققانی بود که با آگاهی دست به تحقیق می‌زد. ایشان مدافع اسلام و آموزه‌های آن بود و درد دین داشت و در امر تحقیق روش و اسلوبی خاص را دنبال می‌کرد.

نظم در امر تحقیق

نظم در کار تحقیقاتی شهید مطهری جایگاهی والا داشت. ایشان حاشیه نویسی بر کتابها را برای اظهار نظر درباره موضوع بحث و یا برای تصحیح متن و در مواردی به منظور مشخص

ساختن و دسته بندی مباحث و مطالب انجام می داد. از شیوه تلخیص و یادداشت برداری مطالب مهم نیز به صورت، منظم سود می جست. علاوه بر این، با روش حساب شده و منظم، کار فراهم آوردن فیشهای تحقیقی را دنبال می کرد. آن بزرگوار از سال ۱۳۳۸ شیوه گردآوری مطالب را از دفاتر به فیشهای تحقیقی انتقال داد تا سهل تر و عملیاتی تر از نکات علمی یادداشت شده بهره برداری کند.

فیشهای ایشان دو دسته اند: یکی فیشهایی که درباره یک موضوع خاص هستند؛ مثل قرآن، علی (ع) و... که هر یک از اینها در محلهای جداگانه گردآوری شده اند. دوم، فیشهایی که درباره موضوعات گوناگون اند. فهرست نسبتاً جامع و کاملی از فیشهای تحقیقی استاد مطهری منشر گردیده است که شایسته استفاده است.^{۱۵}

نیازشناسی در امر تحقیق

استاد مطهری معتقد بود که در امر تحقیق باید نیازهای جامعه را در نظر گرفت و از تحقیقات آکادمیک صرف که، هیچ مشکلی را حل نمی کنند، گریزان بود، او در جایی می نویسد:

انتشارات منهدمی ما از نظر نظم وضع نامطلوبی دارد. بگذریم از آثار نوشته هایی که اساساً مضر و مایه بی آبرویی است، آثار و نوشته های مفید و سودمند ما نیز با برآورد قبلی نمی باشد. یعنی براساس محاسبه ضرورتها صورت نگرفته است. هر کسی به سلیقه خود آنچه را مفید می داند می نویسد و منتشر می کند. بسی مسائل ضروری و لازم که یک کتاب هم درباره آنها نوشته نشده است... از این نظر مانند کشوری هستیم که اقتصادش پایه اجتماعی ندارد. و هر کس به سلیقه خود هر چه می خواهد تولید می کند و یا از خارج وارد می نماید بدون آنکه یک نیروی حسابگر آنها را رهبری کند و میزان تولید کالا یا وارد کردن کالا را بر طبق احتیاجات ضروری کشور تحت کنترل درآورد. به عبارت دیگر، همه چیز به دست تصادف سپرده شده است. بدیهی است در چنین وضعی برخی از کالاها بیش از حد لزوم و تقاضا عرضه می شود و بی مصرف می ماند و برخی از کالاها به هیچ وجه در بازار یافت نمی شود.^{۱۶}

به همین دلیل، سرحوم استاد از تحقیقات بی ضابطه بیزاری می جست و معتقد بود که انتشارات و مطبوعات هر ملتی بیانگر سطح رشد آن ملت است و می فرمود:

اگر نگاهی به آثار و کتب قرون اولیه اسلامی و آثار اسلامی در زمان حاضر بکنیم، مقایسه آنها موجب شرمندگی خواهد بود. فرنگیها می گویند اگر به کتابهای غربی می خواهید رجوع کنید به آن کتابهایی رجوع کنید که تاریخش به شما نزدیکتر است؛ زیرا کتب غربی هر چه جلوتر آمده بهتر و

متقن تر شده است، ولی اگر به کتاب‌های شرقی و اسلامی می‌خواهید رجوع کنید، هر چه می‌توانید به کتاب‌هایی رجوع کنید که تاریخش از شما دورتر است و مربوط است به قرون اولیه اسلامی؛ زیرا هرچه جلوتر آمده است بی‌ارزش‌تر شده است.^{۱۷}

روش مطالعه

بهره‌برداری صحیح از حافظه

استاد مطهری با مطالعه بی‌برنامه و بی‌ضابطه موافق نبود. در این باره می‌گفت:

افراد از نظر هوش، استعداد و حافظه با یکدیگر اختلاف دارند. انسان‌های فهیم بهره‌برداری صحیح از حافظه خود می‌کنند... حافظه آدمی حکم یک انبار را دارد انباری که دائماً باید آن را پر کرد. عیناً بسان انبار یک خانه که احياناً وارد می‌شوی و می‌بینی یک تکه حلبی، یک قطه فلز، یک میز شکسته و یک صندلی شکسته در آنجا افتاده است. اما آدمی که فهیم باشد، در بهره‌برداری از حافظه خود دقت می‌کند. اولین کاری که می‌کند، عمل انتخاب است، یعنی حافظه خود را مقدس می‌شمارد و حاضر نمی‌باشد هر چه شد در آن سرازیر کند. حساب می‌کند چه چیزهایی برای او مفید است و چه چیزهایی بی‌فایده است. سپس آنها را به حافظه می‌سپارد.^{۱۸}

تجزیه و تحلیل مطالب

استاد مطهری معتقد بود که پس از انتخاب شایسته باید به دسته‌بندی مطالب پرداخت و هر مطلبی را با توجه به این که از چه دسته مطالب است، به حافظه سپرد. این امر کمک می‌کند که از مطالب گردآوری شده بهره‌برداری بهتری صورت گیرد. چنین کسی بسان فردی است که کتابخانه‌ای منظم دارد؛ کتابخانه‌ای که هر قفسه‌اش به کتابهای معینی و رشته خاص مربوط است؛ به گونه‌ای که هر کتاب را که بخواهد، بیدرنگ می‌یابد؛ اما اگر غیر از این باشد، همانند کسی است که کتابخانه‌ای با هزاران کتاب دارد؛ اما کتاب‌ها را روی یکدیگر ریخته است و هر وقت کتابی را بخواهد، باید ساعتها در پی آن بگردد.^{۱۹}

محور چهارم: توصیه‌ها و هشدارها

بقای روحانیت و موجودیت اسلام

استاد مطهری درباره‌ی روحانیت و آسیب‌ها و آفت‌های این نهاد مقدس مباحث بسیاری دارد؛ از

جمله می‌فرماید:

روحانیون بزرگ ما باید به این نکته توجه کنند که بقا و دوام روحانیت و موجودیت اسلام در این کشور به این است که زعمای دین ابتکار اصلاحات عمیقی که امروز تشخیص داده می‌شود در

دست بگیرند. انتظاراتی که نسل امروز از روحانیت و اسلام دارد غیر از انتظاراتی است که نسل‌های گذشته داشته‌اند.^{۲۰}

تجهیز روحانیت در برابر عرضه افکار معاصر

برای نهضت ما نیز چنین آینده‌ای که در آن عرضه افکار داغ باشد قابل پیش بینی است. از این رو لازم است روحانیت دهها برابر گذشته خود را تجهیز کند. روحانیت احتیاج به تقویت دارد، احتیاج به برنامه و کار منظم دارد. در برابر روحانیون مردم قرار دارند که به مراتب بیشتر از گذشته به هدایت و راهنمایی و ارشاد احتیاج دارند. روحانیت باید به سرعت به فکر چاره بیفتد و تا سیل عظیم به راه نیفتاده است خود را برای مقابله با آن آماده کند.^{۲۱}

جایگاه روحانیت

روحانیت در حفظ و تداوم انقلاب نقشی اساسی به عهده دارد و باید در متن جامعه باشد و می‌باید با کوشش همه جانبه مکان شایسته خود را حفظ کند و در صف اول حرکت مردم همچنان به هدایت آنها ادامه بدهد.^{۲۲}

انقلاب، عدالت، و معنویت

انقلاب ما در آینده در کنار عدالت اجتماعی به مقیاس اسلامی نیاز به معنویت گسترده دارد؛ معنویت از آن نمونه که در پیامبر و ائمه دیده‌ایم.^{۲۳}

ریشه انحرافات، نسل جوان

ریشه انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را در لابلای افکار و عقاید آنان باید جست. فکر این نسل از نظر مذهبی چنان که باید راهنمایی نشده است و از این نظر فوق العاده نیازمند است.^{۲۴}

راهنمایی نسل جوان

اگر مشکلی در راهنمایی این نسل (جوان) باشد، بیشتر در فهماندن زبان و منطق و روبه روشن شدن با او با منطق و زبان خودش است.^{۲۵}

رهبری نسل جدید

ما باید این خیال را از سر خود بیرون کنیم که نسل جدید را با همان متد قدیم رهبری کنیم.^{۲۶}

هدایت نسل جوان

اگر فکری برای هدایت و رهبری این نسل نشود آینده به کلی از دست خواهد رفت.^{۲۷}

تبلیغ عملی

تبلیغ که همه‌اش زبان نیست، تبلیغ زبان اثرش بسیار کم است؛ تبلیغ، تبلیغ عمل است. آن کسی که با موسی بن جعفر (ع) یا با آباء کرامش و یا با اولاد ظاهرینش روبرو می‌شد و مدتی با آنها بود، اصلاً حقیقت را در وجود آنها می‌دید و می‌دید که واقعاً خدا را می‌شناسند، واقعاً از خدا می‌ترسند، واقعاً عاشق خدا هستند و واقعاً هر چه که می‌کنند برای خدا و حقیقت است.^{۲۸}

پی نوشتها:

۱. احزاب (۳۳)، آیه ۲۱.
۲. مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، تهران، نشر صدرا، ص ۶۳.
۳. سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد مطهری، تهران، نشر ذکر، سال ۷۰، ص ۱۲۲.
۴. شیخ شهید، تهران، صدرا، ص ۲۲.
۵. واثقی راد، محمد حسین، مطهری مظهر اندیشه‌ها، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۶۴، ج اول، ص ۲۸.
۶. پیام انقلاب، ش ۱۲۳، آبان ۶۳.
۷. واعظی نژاد، حسین، طهارت روح، تهران، نشر ستاد اقامه نماز، سال ۷۴، ص ۳۸.
۸. علیقلی، مهدی، سجاده عشق، تهران، حکمت، سال ۶۸، ص ۹.
۹. همان، ص ۹۱.
۱۰. ویژه‌نامه استاد مطهری، ص ۲۱.
۱۱. نگارش، حمید، رمز موفقیت استاد مطهری، قم، نشر امام عصر، سال ۷۷، ص ۱۳۶.
۱۲. مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، صدرا، ص ۸.
۱۳. همان.
۱۴. مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، صدرا، سال ۷۱، ص ۳۳.
۱۵. جلوه‌های معلمی استاد مطهری، تهران، نشر مدرسه، سال ۶۹، ص ۲۳۴.
۱۶. مطهری، مرتضی، تهران، صدرا، سال ۷۳، ج ۱، ص ۳۸.
۱۷. مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران، صدرا، ص ۱۵۰.
۱۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ج ۳، ص ۳۱۵.
۱۹. همان.
۲۰. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، صدرا، بی تا، ص ۲۷۳.
۲۱. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، صدرا، ۷۱، ص ۱۸۳.
۲۲. شیخ شهید، تهران، صدرا، سال ۷۰، ص ۲۲.
۲۳. همان، ص ۳۰.
۲۴. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، صدرا، سال ۶۵، ص ۱۳.
۲۵. همان.
۲۶. ده گفتار، ص ۲۰۸.
۲۷. همان، ص ۱۷۶.
۲۸. سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۱۸۲.